

قلمرو و کارکردهای سیاسی - اجتماعی دین در منظومه فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی

ابوذر رجیبی*

محمد اصدق پور**

چکیده

میل و گرایش انسان به دین، مسئله‌ای ذاتی، عمیق و ریشه‌دار است. اما باور به قلمرو و کارکردهای آن از مقولات اختلافی میان دین‌پژوهان است. آیا دین غیر از کارکردهای فردی، ناظر به حیات سیاسی - اجتماعی هم دارای کارکرد است؟ در میان دین‌پژوهان معاصر مسلمان، سید جمال‌الدین اسدآبادی به‌عنوان یک کنشگر مسلمان و مصلح اجتماعی اهتمام ویژه‌ای به مسئله جامعیت دین و کارکردهای آن دارد. براساس یافته‌های این تحقیق بحث از جامعیت دین، از منظر سید از مباحث مهم بوده و در آثار خود مبتنی بر باور به جامعیت دین به کارکردهای فراوانی از آن اشاره می‌کند. پذیرش حضور فعال دین در مناسبات اجتماعی - سیاسی مربوط به ویژگی اصلی دین‌شناسی سید است و آن پذیرش عقلانیت اسلامی است که در پرتو آن باور به ورود و دخالت دین در تمام شئون زندگی بشری مطرح می‌شود.

واژگان کلیدی

جامعیت دین، کارکرد دین، عقلانیت اسلامی، دین‌شناسی سید جمال‌الدین اسدآبادی.

طرح مسئله

دین، همواره به‌مثابه یکی از ارکان زندگی انسان، مورد توجه و اهتمام اندیشه‌ورزان بوده و هست. شاید بتوان گفت که هیچ پدیده، نهاد و فعالیت اجتماعی و انسانی در تاریخ حیات بشری، مانند مقوله دین و کارکردهای آن از پیشینه‌ای گسترده، تنوع قالبی و محتوایی برخوردار نبوده است. (یوسفیان، ۱۳۸۹: ۵) بر این اساس، دین‌شناسی یکی از مهم‌ترین میانی معرفتی در حوزه علوم انسانی محسوب می‌گردد.

نگاه کارکردگرایانه به دین - حداکثری یا اعتدالی - متفرع بر پذیرش جامعیت دین بوده و در این حوزه دیدگاه‌های یکسانی وجود ندارد. (ر.ک: فرامرز قراملکی، ۱۳۷۶: ۲۲؛ همو، ۱۳۸۹: ۱۳) جدای از ملحدان و منکران دین که کارکردی برای دین قائل نیستند، در سوی مقابل قائلان به اصل دین نیز نگاه یکسانی ندارند. در میان متفکران ایرانی طیفی نگاه حداقلی به قلمرو دین داشته و از عدم جامعیت آن دم می‌زنند. (بازرگان، ۱۳۷۷: ۳۷؛ حائری یزدی، ۱۹۹۴: ۱۴۰؛ سروش، ۱۳۷۶: ۲۵۷؛ همو، ۱۳۷۷: ۳۷۲؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۵۶؛ شبستری، ۱۳۷۷: ۲۰ - ۱۸؛ همو، ۱۳۷۹: ۲۷۵) در مقابل متفکران اصیل اسلامی به جامعیت و کارکرد حداکثری دین نظر دارند. جامع‌نگری به دین و فهم و تبیین صحیح کارکردهای فردی و اجتماعی - سیاسی از دین، از جمله مسائلی هستند که همواره مورد توجه و مذاقه دین‌پژوهان و مصلحان اجتماعی بوده و هست. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷ / ۴۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۴ / ۹۹ - ۹۸؛ سبحانی، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۶۰ - ۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳ / ۱۸۹ - ۱۶۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۵۶ - ۲۳)

سید جمال‌الدین اسدآبادی از مخالفان جدی نظریه قلمرو حداقلی دین بوده و با پذیرش جامع‌نگر به حوزه دین بر این باور است که دین برنامه زندگی سعادت‌محور انسان را در همه ابعاد مادی و معنوی ارائه کرده و معیشت اخروی و سعادت و کمال در آن حیات را ناظر به ابعاد زندگی مادی دانسته و رابطه دین را با انسان فراتر از ارتباط فردی به مناسبات اجتماعی نیز می‌گستراند. دلیل ورود این تحقیق به اندیشه سید آن است که وی یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در دوران معاصر است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۴ / ۳۰) شخصیتی که همچنان در کانون توجه اندیشمندان و پژوهشگران می‌باشد. یکی از وجوه حائز اهمیت در اندیشه سیدجمال که چندان به آن توجهی نشده، نوع نگاه او به مقوله «دین» است؛ او قائل به «جامعیت دین» بود. از نظر او دین می‌تواند سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین نماید. به‌همین جهت موضوعاتی چون: جامعیت دین، قلمرو دین و انتظار بشر از دین در آثار او یافت می‌شود. در نگاشته پیش‌رو به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به آثار سید به بررسی و تبیین مسئله جامعیت دین و کارکردهای آن از نگاه او پرداخته خواهد شد.

پیشینه

مقوله جامعیت و کارکردهای سیاسی - اجتماعی دین، از جمله مباحث مهم در حوزه دین‌پژوهی است که دارای پیشینه گسترده‌ای می‌باشد. با توجه به اینکه این مقاله سعی در بررسی و تبیین این مسئله در منظومه فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی دارد، بر این اساس به بیان پیشینه این مسئله در آثار پیرامون سید جمال و اندیشه‌های او می‌پردازد.

تعداد قابل‌توجهی از محققان و نویسندگان معاصر، زندگی، شخصیت، آرا و اندیشه‌های «سید جمال‌الدین اسدآبادی» را از زوایای گوناگون مورد پژوهش قرار داده‌اند. بر همین اساس مقالات و کتاب‌های زیادی در مورد ایشان تألیف گردیده و پایان‌نامه‌های متعددی درباره این شخصیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دفاع شده است. ساحت‌های مطالعاتی ناظر به اندیشه‌های سید یا با رویکرد ایجابی است و یا با رویکرد سلبی. به تعبیر یکی از محققان در عرصه اندیشه‌های سید آثار نگاشته شده درباره این شخصیت: «نوعاً یا از طرف دوست بوده و برای تعریف و توصیف سید، یا از جانب دشمن بوده و برای کوبیدن سید و هدف‌های او». (خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۱۴) در رویکرد ایجابی صاحبان آثار یا به استخراج داده‌های اندیشه‌ای سید از متون مکتوب ایشان و گفتارهای شفاهی ایشان پرداخته‌اند، یا به ساختار داده‌های اندیشه‌ای ایشان توجه کرده و یا به بسط داده‌های فکری او پرداختند. از مهم‌ترین این آثار که به مبانی دین‌شناسی و نوع نگرش دینی سید پرداخته‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: *سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او*، (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹) *بیدارگران اقلیم قبله*، (حکیمی، ۱۳۸۲) *مفخر شرق؛ سید جمال‌الدین اسدآبادی*، (سعیدی، ۱۳۷۰) *سید جمال‌الدین و تفکر جدید*، (مجتهدی، ۱۳۶۳) *یادنامه سید جمال*، (خسروشاهی، ۱۳۵۶) *الفکر العربی فی عصر النهضه ۱۷۱۹ - ۱۹۳۹ م*، (حورانی، ۱۹۹۷ م) *نابغه الشرق*، (عبدالمجید، ۱۹۶۷ م) *جمال‌الدین الافغانی موقظ الشرق و فیلسوف الاسلام*، (عمار، ۱۹۸۸ م) *سید جمال‌الدین افغانی و غرب*، (جمیل علی، ۲۰۰۲ م) *سیری در اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی*. (ذوالفقاری، ۱۳۸۷) در این سنخ از آثار از سید به‌عنوان یکی از متفکران برجسته دو سده اخیر در جهان اسلامی و نقش وی در بیداری اسلامی یاد می‌شود. پیش‌فرض غالب این آثار آن است که سید به دین نگاه جامع‌نگر داشته و در پرتو قلمرو حداکثری دین به نقش آن در تحولات جهان اسلام می‌پردازد.

در رویکرد سلبی و یا نفی سید، نیز با سه حیطة مواجه هستیم. انتقاد از اندیشه‌های او، آسیب‌شناسی اندیشه‌های سید و یا انکار او در این رویکرد قابل ملاحظه است. برخی از قابل‌توجه‌ترین این آثار که به نقد و نفی سید جمال و اندیشه‌ها، رفتار و کنش‌های سیاسی - اجتماعی وی پرداخته‌اند، عبارتند از:

حقوق‌بگیران انگلیس در ایران، (رائین، ۱۳۴۷) **فراموشخانه و فراماسونری در ایران**، (همان، ۱۳۵۷) **پنهان‌کاری‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی** (طباطبایی، ۱۳۹۹) طبیعتاً این دسته از آثار چون نگاه منفی به سید و اندیشه‌های او دارند درباره نگاه او نسبت به دین و ماهیت و ابعاد دینی او نیز با همین دید سلیبی قضاوت می‌کنند. در مجموع در آثار موجود در منشورات علمی‌کشور تحقیقی ناظر به جامعیت دین و کارکردهای دین در منظومه فکری سید صورت نگرفته است. به‌همین جهت این تحقیق کاملاً ابداعی است.

الف) ماهیت دین

با مراجعه به آثار دین‌پژوهان با دو دسته از تعریف ناظر به دین مواجه می‌شویم: پاره‌ای تعاریف ذات‌گرایانه که ناظر به ماهیت و جوهر دین و عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌شود و دوم تعریف کارکردی از دین که بیانگر نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، رفتاری یا روانی انسان است. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۲۸) از نظر سید جمال، دین امری آموزنده، راهنما و نجات‌بخش است. بر همین اساس سید جمال، نگرشی کارکردگرایانه به دین و آموزه‌های دینی دارد. از نظر او دین، برنامه جامع چگونه زیستن است و شامل همه ابعاد بینشی، منشی و کنشی انسان در جنبه‌های متعدد فردی، اجتماعی، سیاسی و ... می‌گردد. سید باور دارد که ادیان الهی، ریشه در غیب دارند و بر وحی و پیام الهی استوارند و انسان، مخاطب و دریافت‌کننده پیام الهی است که باید به آن اعتقاد پیدا کند و با ملتزم شدن به محتوای وحی، سلوک فردی و اجتماعی خویش را سامان دهد. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۶ / ۱۷۸ - ۱۳۵)

سید جمال به‌دلیل گرایش اجتماعی‌ای که دارد، در مورد ادیان آسمانی - یهودیت و مسیحیت و اسلام - از یک نگاه «همگرایانه» برخوردار است و سعی در ایجاد وحدت میان ادیان دارد و این سه را تکامل یافته از یکدیگر می‌داند. بدین‌معنا که مسیحیت، تکامل یافته از دین یهود و اسلام را متکامل از آن دو معرفی می‌کند و این ادیان سه‌گانه را دارای خط و مشی و حقیقتی واحد ترسیم می‌نماید. (همان: ۱ / ۱۲۱ - ۱۱۶؛ ۶ / ۱۸۰) ولی در کنار این نگاه همگرایانه او نقدها و اشکالات متوجه باورهای غلط یهودیان و مسیحیان را نیز بازگو می‌کند. و این امر بیانگر آن است که کاملاً با اندیشه کثرت‌گرایی دینی مخالف است. به‌عنوان مثال به تثلیث، صلیب، اعتراف و وساطت کشیشان در بخشودگی گناهان، سیطره و قدرت خداوند و عدم برتری نژاد بنی‌اسرائیل اشاره دارد. (همان: ۷ / ۲۵۸؛ ۹ / ۱۹۵ - ۶۲ - ۶۰) او بیشتر با برشماری امتیازات دین مبین اسلام و اثبات حقانیت و شرافت او نسبت به یهودیت و مسیحیت به نقد و بررسی آنها پرداخته است. (همان: ۶ / ۱۷۸ - ۱۳۵؛ ۹ / ۶۱ - ۵۸)

ب) قلمرو و جامعیت دین

وظیفه اصلی دین، هدایت و سعادت انسان است؛ هدایت‌گری دین در موضوعات فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، دانشی و ارزشی ظهور می‌یابد. بنابراین دین، علاوه بر آبادانی آخرت و سعادت اخروی انسان، آبادانی دنیا را نیز در مسیر آبادانی آخرت دنبال می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۱۳۰؛ همو، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۲۷) متفکران اسلامی به‌ویژه حکما و متکلمان مسلمان، به مسئله قلمرو و جامعیت اسلام توجه داشته‌اند و در بحث ضرورت بعثت پیامبران، مباحث مهمی را مطرح کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۱؛ نفتازانی، ۱۴۰۹: ۵ / ۶؛ لاهیجی، ۱۳۷۲: ۸۹ - ۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷ / ۵۳ - ۱۳؛ سبحانی، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۶۰ - ۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳ / ۱۸۹ - ۱۶۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۵۶ - ۲۳؛ خسروپناه، ۱۳۹۴: ۳ / ۶۵ - ۶۴)

دین علاوه بر آباد نمودن آخرت انسان‌ها، به تأمین برخی از نیازهای دنیایی انسان نیز می‌پردازد و پاره‌ای از نیازهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی، اخلاقی، عبادی و ... توسط دین تأمین می‌شود. البته باید توجه داشت که تحقق سعادت دنیوی و اخروی جامعه، درگرو التزام عقیدتی و عملی حاکمان بر جامعه و آحاد افراد جامعه بشری است. سید جمال، همسو با بسیاری از فلاسفه و متکلمان پیشین و معاصر خویش، دیدگاهی جامع‌نگرانه به اسلام دارد و این جامعیت را شامل مناسبات اجتماعی - سیاسی نیز برمی‌شمرد و اذعان دارد که سبب سعادت و موفقیت ملت‌های مسلمان، دین اسلام است. زیرا آموزه‌های دین اسلام همانند دیگر ادیان نیست که فقط به سعادت و نیک‌بختی اخروی توجه داشته باشد، بلکه هر آن چیزی را که به نفع مردم و سعادت آنها در دنیا و همچنین نجات و بهره‌مندی از نعم الهی در آخرت را فراهم می‌آورد، التفات داشته و سعادت دنیا و آخرت را برای انسان‌ها به ارمغان آورده است.^۱

مسئله جامعیت اسلام در دو حوزه متصور است: اول؛ جاودانگی آموزه‌های اسلامی در همه زمان‌ها. دوم؛ جامعیت محتوایی و هدایت‌گری. سیدجمال در هر دو عرصه قائل به جامعیت دین اسلام است و معتقد است که اصول و مبانی دین اسلام توانایی محتوایی و هدایت‌گری همه انسان‌ها در تمام اعصار و امصار را داراست.^۲

۱. أكرر عليك القول بأن السبب هو الدين الإسلامي لم تكن وجهته كوجهة سائر الأديان إلى الآخرة فقط، و لكن مع ذلك أتى بما فيه مصلحة العباد في دنياهم و ما يكسبهم السعادة في الدنيا، و النعيم في الآخرة و هو المعبر عنه في الاصطلاح الشرعي بسعادة الدارين. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۱۰۶)

۲. ... لأن الدين الإسلامي لم تكن أصوله قاصرة علي دعوة الخلق إلي الحق و ملاحظة أحوال النفوس من جهة كونها روحانية مطلوبة من هذا العالم الأدنى إلي عالم أعلي، بل هي كما كانت كافلة لهذا جاءت وافية بوضع حدود المعاملات بين العباد و بيان الحقوق كليها و جزئها، و تحديد السلطة الوازعة التي تقوم بتنفيذ المشروعات و إقامة الحدود و تعيين شروطها، حتي لا يكون القابض علي زمامها لا من أشد الناس خضوعًا لها و لن يبالها بوراثته و لا امتياز في جنس أو قبيلة أو قوة بدنية و ثروة مالية، و إنما تبالها بالوقوف عند أحكام الشريعة و القدرة علي تنفيذها و رضاء الأمة». (همان: ۱ / ۱۰۴)

از منظر سیدجمال، دغدغه اصلی دین، هدایت همه‌جانبه انسان به سوی کمال و سعادت حقیقی اوست. یعنی رسالت دین، تأمین تمام نیازهای هدایتی انسان برای نائل آمدن به حیات طیبه یعنی زندگی مؤمنانه و همراه با معنویت در حیات دنیایی و تأمین سعادت اخروی است. بنابراین باید گفت که یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های او، نشان دادن جامعیت دین اسلام است؛ زیرا مراد از دین، امر جامعی است که حکایت‌گر برآیند ملکوتی بینش، منش و کنش دنیوی انسان است که دارای آثار اخروی نیز می‌باشد: «فالدین و هو السائق إلى السعادة في الدنيا كما يسوق إليها في الآخرة». (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۱۵۴)

دینی که داعیه جهان‌شمولی دارد و همه افراد بشر را عائله مکتب خود می‌داند، باید در مورد پیشرفت و تعالی اندیشه و رفتارهای سیاسی - اجتماعی نیز نظری جامع داشته باشد. اسلام دین خاتم و جهانی است و برای همه مردم در همه زمان‌ها پیام دارد و برای نیازهای گوناگون جوامع بشری، از جمله در مناسبات سیاسی - اجتماعی، برنامه‌های راهگشا و مؤلفه‌های هدایت بخش را تشریح و اعلام می‌کند. (همان)

ج) نقش جامع‌نگری دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره گردید، سیدجمال نگاهی جامع‌نگرانه به دین دارد و رسالت پیامبران الهی را به تأمین آخرت یا تبیین رابطه انسان با خداوند محدود نمی‌داند. از نگاه وی، دین به مسائل و ابعاد دیگر انسانی از جمله تنظیم نظامات اجتماعی و سیاسی جامعه بشری نیز توجه داشته و دارد. به تعبیر دیگر در هندسه معرفتی ایشان فواید و کارکردهای دین، صرفاً فواید دنیوی و یا فردی محض نیست، بلکه باید به کارکردهای دنیوی اعم از فردی، اجتماعی، جسمی، روحی، معنوی و هم ثمرات اخروی آن توجه داشت تا بتوان از برآیند آن، به یک ایده مشخص و مطمئن و جامع‌نگرانه در مورد دین و کارکردهای آن نائل آمد. او جامع‌نگری دینی را در تشریح انسان‌شناسی دینی و تبیین جامعیت معنویت اسلامی در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، کارآمد و مفید می‌داند که به توضیح آن می‌پردازیم:

۱. نقش جامعیت دین در انسان‌شناسی دینی

باید توجه داشت که یکی از ضروریات و نیازهای اصلی و اساسی انسان، «اجتماع» و لوازم مرتبط با آن است. انسان مدنی الطبع، بسیاری از نیازهای جسمانی و زیستی، تاریخی و فرهنگی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی خود را در بستر جامعه و در ترابط با هم نوعان و همچنین در ارتباط با طبیعت تأمین می‌کند. بنابراین باید تصریح کنیم که یکی از ابعاد جامعیت دین، انسان‌شناسی دینی است. دین در حوزه انسان‌شناسی با نظر به ابعاد مختلف وجود انسان، از ابعاد جسمانی و زیستی، تاریخی و فرهنگی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی سخن گفته است. از این‌رو، وقتی درباره ساختی خاص سخن می‌گوید،

باتوجه به مجموعه ابعاد وجودی انسان آن را طرح می‌کند؛ چراکه گوینده سخن نسبت به انسان و ساحت‌های وجودی او از معرفتی کامل و جامع برخوردار است. (خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۶) بنابراین لازمه جامعیت دین توجه و ارائه برنامه‌ای جامع برای تأمین آسان و سالم این نیازها و ترقی تعالی این روابط اجتماعی و سیاسی است. سید جمال اذعان دارد که دین حق بر اصول و قواعدی استوار است که کفیل و تأمین‌کننده هر آن چیزی است که انسان در اجتماع بشری و مناسبات سیاسی - اجتماعی به آن نیاز دارد.^۱ یعنی این نگاه جامع‌نگر به دین و التزام عملی به تعالیم آن، تدابیر و سیاست‌های خرد و کلان اجتماعی و سیاسی جامعه را به‌گونه‌ای مدیریت می‌نماید و شرایط زیستی را طوری سامان خواهد داد که بستر رشد و شکوفایی استعدادهای افراد جامعه را در عرصه‌های گوناگون فراهم و تسهیل خواهد کرد. به تعبیر دیگر این بینش جامع، جامعه را سکوی پرواز انسان به سوی سعادت و کسب فضایل و کمالات خواهد ساخت و انسان‌هایی در آغوش این جامعه پرورش خواهند یافت که از منش و کنشی متعالی بهره‌مندند و از این رهگذر آرامش و نشاط و امید و سلامت بر روابط اجتماعی و سیاسی جامعه حاکم خواهد بود.

۲. نقش جامعیت دین در جامعیت معنویت دینی

دیگر از جنبه‌های جامعیت دین، جامعیت معنویت اسلامی و دینی است که در مناسبات سیاسی و اجتماعی نقش آفرینی می‌کند. معنویت اسلامی نسبت به تمایلات مادی، معنوی و همچنین دنیوی و اخروی انسان جامعیت دارد. این نوع از معنویت دینی به معنای نادیده گرفتن خواسته‌های انسان و یا سرکوب آنها نیست، بلکه نگاه معنوی خواسته‌های بشری را براساس هدف خلقت و فطرت انسانی اعتدال و جهت می‌بخشد. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷ / ۴۳۴؛ ر.ک: خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۸۴) این نوع نگاه از آثار جامع‌نگرانه به دین و معنویت دینی است؛ چون معنویت را محدود به امور اخروی و تعبدی صرف نمی‌نگرد؛ بلکه با نظری جامع به دین و معنویت اسلامی، گوهر و جوهره معنویت را به تمام امور دنیوی و مادی تسری داده و روح ایمان و معنویت را بر کل پیکره حیات انسانی جاری و ساری می‌سازد. این از جامعیت دین است که معنویت را در تمام شئون روابط و تعاملات سیاسی - اجتماعی انسان تعمیم می‌دهد و انسان را در هر موقعیت و جایگاه اجتماعی - سیاسی به سمت تعالی معنوی سوق و جهت‌دهی می‌کند. لازمه جامعیت اسلام، متعادل بودن آن است. به این معنا که به همه ابعاد وجودی

۱. ...إِنَّمَا هُوَ دِينَ قَوِيمٍ الْأَصُولُ مُحْكَمُ الْقَوَاعِدِ، شَامِلٌ لِأَنْوَاعِ الْحُكْمِ بَاعْتِ عَلَى الْأُلْفَةِ دَاعٍ إِلَى الْحُبَّةِ مَزَكٍ لِلنَّفْسِ، مَطْهَرٍ لِلْقُلُوبِ مِنْ أَدْرَانِ الْخِسَائِسِ، مَنْوَرٌ لِلْعُقُولِ بِإِشْرَاقِ الْحَقِّ مِنْ مَطَالِعِ قَضَائِيَاهِ، كَافِلٌ لِكُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْإِنْسَانُ مِنْ مَبَانِي الْأَجْتِمَاعَاتِ الْبَشَرِيَّةِ، وَحَافِظٌ وَجُودَهَا وَيُنَادِي بِمَعْتَقِدِيهِ إِلَى جَمِيعِ فُرُوعِ الْمَدِينَةِ. (همان: ۱ / ۱۱۴)

انسانی توجه داشته و در جهت رشد و تعالی هر دو ساحت مادی و معنوی انسان اهتمام داشته باشد و سعی در ایجاد اعتدال میان کشش‌های مادی و نیازهای معنوی جامعه داشته باشد. سیدجمال، اسلام را دینی جامع، وافی و کافی برای جامعه بشری می‌داند که به تمام نیازمندی‌های نوع بشر، نگاهی آگاهانه و عالمانه دارد و در جهت تأمین آنها برنامه‌هایی همراه با عقلانیت و اعتدال ارائه داده است.^۱

۳. نقش جامع‌نگری دینی در فراگیری علوم مختلف

سید جمال تجددخواهی است که همواره در اندیشه، منش و کنش سیاسی، اجتماعی و اصلاحی خویش، گام را از مسیر اعتدال بیرون ننهاده و همواره بر طبق اصول فکری و معرفت دینی که همان اعتدال و عقلانیت اسلامی است رفتار نموده است. بر همین اساس سید جمال، در عین باور راسخ به جامعیت دین و توانمندی آن در پاسخگویی و تأمین نیازهای جامعه اسلامی و انسانی، از نقش علمی همانند علوم تجربی، انسانی، طبیعی و علوم عقلی در پیشرفت و تأمین نیازهای بشری غفلت نورزیده است. وی همواره با این نگاه جامع‌نگرانه سعی دارد فراگیری این علوم پیش‌گفته را از طریق آموزه‌های دینی تبیین و جهت‌دهی نماید؛ زیرا در منظومه معرفتی سید جمال همه این علوم، برای پیشرفت و تعالی همه‌جانبه جامعه بشری لازم و ضروری و دارای اهمیت هستند.^۲ زیرا دین اسلام، نقشی تعاملی با علوم مختلف دارد و در بسیاری از موارد مکمل و تعالی بخش علوم دیگر است. البته علوم دیگر نیز در بسیاری از موارد تبیین‌گر احکام و تعالیم دینی‌اند.

بی‌تردید فراگیری علوم و تعالی آنها در جامعه، تأثیرات شگرفی بر ارتقا سطح فرهنگ اجتماعی و نحوه ارتباطات اجتماعی و سیاسی انسان‌ها خواهد داشت که بر کسی پوشیده نیست و این دین است که با جهت‌دهی و ریل‌گذاری در مسیر روند علمی جامعه، نوع بشر را در نائل آمدن بر قله‌های رفیع پیشرفت و کمال و انسانیت رهنمون می‌گردد.

۱. النظام الحقیقی لنوع الإنسان - وهو الدین - لم یزل مستقرّاً راسخاً، فی جمیع الأجيال، وعلیّیّ الأحوال. فلم تبقَ ریبةٌ أنّ الدین هو السبب الفرد لسعادة الإنسان، فلو قام الدین علی قواعد الأمر الإلهی الحقّ، ولم یخالطه شیء من أباطیل من یرعمونه، ولا یرفونه، فلا ریب أنّه یكون سبباً فی السعادة التامة والنعمیم الكامل، ویزهد بمعتقدیه فی جواد الکمال الصوری والمعنوی، ویصعد بهم إلی ذروة الفضل الظاهری، والباطنی، ویرفع أعلام المدنیة لطلّابها، بل یفیض علی المتمدّین من دینم الکمال العقلی والنفسی ما یظفرهم بسعادة الدارین. واللّه یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم. (همان: ۲ / ۱۸۹)

۲. فهذه العقیدة [بأنّها أشرف الأمم] أقوی دافع للأمم إلی التسابق لغایات المدنیة، وامضی الأسباب بها إلی طلب العلوم، و التوسّع فی الفنون، و الإبداع فی الصنائع، و إیّها لأبلغ فی سوق الأمم إلی منازل العلاء، و مقاوم الشرف، من غالب قاسر، و مستبدّ قاهر عادل. (همان: ۲ / ۱۴۹)

۴. نقش جامع‌نگرانه دین در سلامت فکری جامعه و مناسبات اجتماعی - سیاسی

بی‌تردید تا جامعه‌ای از لحاظ اندیشه و بینش فکری در سلامت و عافیت نباشد، در اندیشه و رفتارهای اجتماعی و سیاسی نیز بیمار خواهد بود و از منش و کنش متعالی و توحیدی فاصله خواهد داشت. از دیگر جنبه‌های جامعیت دین، نقش جامع‌نگرانه دین در توجه به سلامت فکری جامعه و اجتماع است که اسلام به آن توجه زیادی داشته است؛ زیرا اگر جامعه و محیط اجتماعی از سلامت اندیشه برخوردار نباشد، جوّ اجتماعی فاسد می‌شود و جوّ فاسد اجتماعی، جوّ روحی را تباه خواهد کرد و به سبب جوّ فاسد روحی، زمینه رشد اندیشه‌های متعالی را در جامعه ضعیف و زمینه رشد اندیشه‌های پست را تقویت می‌کند. به همین جهت است که در دین مبین اسلام به اصلاح محیط اجتماعی توجه و اهتمام زیادی شده است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۱ / ۵۶۸)

سید جمال، جامعه‌ای را دینی و اسلامی می‌داند که آثار دینداری و برکات ایمان توحیدی در تمام شئون آن جامعه تجلّی یافته باشد و مناسبات سیاسی و اجتماعی آن نیز سمت‌وسوی الهی داشته و توحید حقیقی را نشان دهد. بر همین اساس است که او، وظیفه عالمان دین را در مقابله با افکار ضعیف و خرافات گوشزد می‌کند و خودش نیز علاوه بر تلاش در پاسخگویی سؤالات فکری و معرفتی عموم جامعه، در ردّ تفکرات باطل و آلوده‌ای همچون مادی‌گرایی به تألیف رساله نیچریه و چاپ نشریه عروه‌الوثقی اقدام می‌نماید. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۹ / ۶۵ - ۱۲)

۵. جامع‌نگری دینی، دعوت‌کننده گفتگو و تعامل سازنده و عزتمند

جامع‌نگری دینی و تک‌بُعدی ننگریستن به دین، انسان را اهل تعامل و گفتگوی سازنده و فزاینده می‌سازد. یعنی همیشه و همواره یک نگاه کلان و همه‌شمول، در هندسه معرفتی انسان حضور و نمود خواهد داشت. بر همین اساس انسان و جامعه، از تندوری و عصبیت افراطی و همچنین کُندروی و سستی و تعلل در ارتباط یا عدم ارتباط با دیگر ملل و ممالک اسلامی برحذر خواهد بود و بینش، منش و کنش‌های فردی، اجتماعی و سیاسی انسان و جامعه، بر مدار عقلانیت جامع‌نگرانه دینی شکل خواهد گرفت و سامان خواهد یافت. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق، ۱ / ۱۳۹ - ۱۳۱) به‌عنوان نمونه از نگرش اعتدالی و عقلانی از دین توسط سید جمال مناسب است به بندهای پایانی مقاله الوحده الاسلامی ایشان اشاره نمود که باور دارد با حفظ اصول و ارکان دینی، با رعایت شئون عزت و اقتدار، می‌توان با دیگران تعامل سازنده و فزاینده داشت. (همان، ۱۶۲ - ۱۶۱)

سید جمال اعتقاد راسخ دارد که اسلام را باید به‌صورت جامع‌نگریست و از تک‌بُعدی‌بودن و فقط از یک زاویه به دین نگاه کردن باید پرهیز نمود؛ زیرا موجب عدم‌درک صحیح و عمیق از حقیقت دین و

کارایی آن می‌گردد. دین اسلام آخرین دین و پیامبر اسلام، خاتم پیامبران الهی است؛ یعنی دیگر قرار بر آمدن دین جدیدی که راهکارهای نوین برای حل مشکلات دنیای معاصر و برون رفت جامعه از معضلات فردی، اجتماعی و سیاسی ارائه دهد نیست. و باتوجه به وعده حق الهی که دین اسلام و قرآن «تیباناً لُکُلَّ شیء» است، پس باید در یک نگاه جامع، جواب پرسشهای انسان معاصر از دین و نیازهای او، با رویکردی اعتدالی پاسخ داده شود. در غیر این صورت دین و آموزه‌های آن منحصر در فردگرایی و منزوی از اجتماع و مناسبات سیاسی خواهد گردید و این همان سکولاریزه شدن دین است که با ماهیت و حقیقت دین در تعارض است. سید جمال اینگونه می‌اندیشد که اگر از دین و آموزه‌های آن درک و بینشی جامع نداشته باشیم بخش عظیمی از احکام و تعالیم اجتماعی و سیاسی آن را دریافته‌ایم و در نتیجه، محرومیت انسان و تمدن بشری از معارف ناب دینی را در پی خواهد داشت و لازمه آن سقوط و انحطاط و فساد و تباهی نوع بشر خواهد بود.^۱

ناظر به این توضیحات باید چنین گفت که: یکی از نقش‌های مهم و تأثیرگذار جامع‌نگری دینی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی این است که به انسان عقلانیتی می‌بخشد تا مبتنی بر تعالیم ارزشمند دینی - یعنی عزت و شرف و احترام متقابل - از ظرفیت پر ثمر گفتگو و تعامل سازنده و عزتمند با دیگر ملل بهره‌مند گردد و نه تنها از آن استقبال نماید بلکه دیگران را هم به مذاکره و گفتگو دعوت و ترغیب نماید. این ویژگی به نوبه خود نمونه‌ای از نقش جامع‌نگری دین در عرصه‌های حیات سیاسی - اجتماعی انسان می‌باشد. البته به دلیل اهمیت بسیار مهم و کاربردی این ویژگی - یعنی گفتگو و تعامل سازنده بر مدار عزت - باید آن را در نقش تمدن‌سازی دین و همچنین در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نیز مورد توجه قرار داد.

د) کارکرد دین

در پرتو پذیرش جامعیت دین بالتبع کارکردهای متعددی نیز برای دین مطرح خواهد شد. کارکردهای حوزه فردی مانند نقش معرفت‌بخشی و معرفت‌زایی، نقش انگیزشی، کارکرد دین در حوزه تربیت و

۱. إن الدین وضع إلهی، و معلمه والداعی إلیه البشر، تتلقاه العقول عن المشرین المنذرین، فهو مسکوب لمن یختصهم الله بالوحي، و منقول عنهم بالبلاغ و الدراسة و التعليم والتلقین، و هو عند جمیع الأمم أول ما یمتزع بالقلوب، و یرسخ فی الأفتدة، و تصبغ النفوس بعقائده و ما یتبعها من الملکات والعادات، و تتمرن الأبدان علی ما ینشأ عنه من الأعمال عظیمها و حقیرها، فله السلطة الأولى علی الأفكار و ما یطووعها من العزائم و الإيرادات، فهو سلطان الروح و مرشدها إلی ما تدبر به بدنها، و کأنما الإنسان فی نشأته لوح صقیل، و أول ما یحط فیہ رسم الدین، ثم ینبعث إلی سائر الأعمال بدعوتیه و إرشاده. و ما یطرأ علی النفوس من غیره، فإیما هو نادرشاذ، حتی لو خرج مارق عن دینه لم یستطع الخروج عمّا أحدثه فیہ من الصفات بل تبقی طبعته فیہ کأثر الجرح فی البشرة بعد الاندمال. (همان: ۱ / ۱۱۷)

قلمرو و کارکردهای سیاسی - اجتماعی دین در منظومه فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی □ ۱۰۱

بهداشت روان، و کارکردهای حوزه اجتماعی مانند نقش دین در سیاست، امنیت، عدالت، حقوق، آزادی، اقتصاد، خانواده، وحدت، مدیریت و (سبحانی نیا، ۱۳۸۹: ۷۷) به عبارت دیگر، دین نه تنها تأمین‌کننده بسیاری از نیازهای انسان است، بلکه دین، خواسته‌ای بنیادین و نهفته در ژرفای وجود آدمی است. (شاکرین، ۱۳۸۷: ۱۷) زیرا دین از یک سوی پشتوانه اخلاق و قانون است و از سوی دیگر به عنوان ایدئولوژی، توانایی پاسخگویی به نیازهای دنیوی و اخروی انسان‌ها را دارد. (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۹)

سید جمال در موارد متعددی به تبیین و تقریر مزایا و منافع دین - به‌ویژه دین اسلام - پرداخته است و می‌گوید: «خصوصاً دین الاسلام فهو الذي رفع امة كانت من اعرق الامم في التوحش و القسوة و الخشونة و سبابها الي ارقى مراتب الحكمة و المدنية في اقرب مدة». (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۱۰۵) وی معتقد است که از دیرزمان به واسطه پایبندی و التزام علمی و عملی به ادیان آسمانی، سه عقیده و سه خصلت در جامعه بشری نهادینه شده است که هر یک از آنها در قوام و پایداری حیات اجتماعی انسان و تمدن بشری و ترقیات ملتها و جوامع مختلف، رکنی رکنین و اساسی محکم و عاملی فعال برای دفع شر و فساد است که ملتها را بر باد می‌دهد، به‌شمار می‌آیند. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۹ / ۲۳) می‌توان کارکرد دین از نگاه سید جمال را در دو بخش فردی و اجتماعی از میان آثار وی اصطیاد کرد.

۱. کارکرد دین در حوزه فردی انسان

«انسان» درحقیقت عنصر اصلی شکل‌گیری جامعه و تمدن بشری است و دین کارکردها و نقش‌آفرینی‌هایی در حوزه فردی انسان دارد که عبارتند از: معرفت‌افزایی، آرامش، بهداشت و سلامت روان، معنابخشی به زندگی، هویت‌بخشی، ایجاد امید و نشاط در زندگی مادی انسان، ایجاد انگیزه برای تلاش و حرکت در مسیر کمال و سعادت و فضیلت و درواقع این بخش از کارکرد دین، ارتباط مستقیم با اهداف بعثت انبیا الهی دارد. سید معتقد است اگر فرد ساخته شود، جامعه ساخته خواهد شد و رابطه فرد و جامعه دوسویه می‌باشد؛ زیرا جامعه متشکل از یکایک فرد آحاد جامعه است. بنابراین دین برای عمران و آبادی دنیا و آخرت و هم سعادت فردی و اجتماعی انسان است و موجبات کاهش درد و رنج افراد انسانی را فراهم می‌آورد. (همان: ۹ / ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۸ و ۱۶۱)

۲. کارکرد دین در جامعه انسانی

ایجاد وحدت و همبستگی، آزادی اجتماعی، عدالت اجتماعی، هویت‌بخشی جمعی، بسترسازی برای فرهنگ و تمدن، مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی، وضع قوانین اجتماعی مناسب، رشد علم و تشویق علم‌آموزی و ... تنها بخشی از کارکردهای دین در جامعه انسانی است. در آموزه‌های دینی توجه

زیادی به اجتماع انسانی شده و جامعه را به‌مثانه پیکره‌ای انسانی به تصویر کشیده است که برای آن سلامت و بیماری، نشاط و خمودگی، پویایی و یا سستی و حتی حیات و مرگ متصور است. دین با پایه‌ریزی برنامه‌ها و احکام جامع که تأمین‌کننده نیازهای متعدد انسان متمدن و جامعه بشری است سعی در ارائه راهکارهای متعالی و موفقیت‌آمیز برای رشد و تعالی جامعه و تمدن بشری دارد. براساس همین توانایی و کارکرد دین است که سید اعتقاد راسخ به کارآمدی دین در تأمین و برآوردن نیازهای گوناگون جامعه انسانی دارد و قائل به حضور پویا و فعال دین و آموزه‌های رهایی‌بخش آن در عرصه‌های اجتماعی و مناسبات سیاسی است. (همان: ۱ / ۶۲ - ۶۰؛ ۲ / ۱۸۸)

۳. کارکردهای دین در ترقی و تعالی بخشی مناسبات سیاسی - اجتماعی

باید گفت که دین - به‌ویژه دین اسلام - همواره بشر را دعوت به اعتنا و اهتمام به امر اجتماع و مدیریت و سامان دادن مناسبات مرتبط با اجتماع و امور سیاسی آن کرده است و مسائل سیاسی - اجتماعی را از کنج اهمال و زاویه تبعیت حکومت‌ها خارج نموده و تصمیم‌گیری درباره کنش‌های اجتماعی و سیاسی را برای همه افراد جامعه به‌عنوان موضوعی مستقل و قابل‌بحث مطرح می‌کند و مردم را به توجه و پیروی از آموزه‌های اجتماعی که از ناحیه پروردگار به منظور سعادت زندگی اجتماعی آنان نازل شده است دعوت می‌نماید. برخی از کارکردهای دین در ترقی و تعالی بخشی مناسبات سیاسی - اجتماعی انسان عبارتند از:

یک. شکوفاسازی و جهت‌دهی خرد فردی و جمعی

یکی از کارکردهای اصلی دین و یکی از عوامل مهم گرایش انسان‌ها به دین الهی، رشد عقلی و شکوفایی فطرت انسانی است. به عبارتی یکی دیگر از کاربردهای دین، شکوفاسازی خرد و رهاسازی آن از گرفتار شدن در دام عوامل لغزنده و انحراف‌انگیز است. (شاکرین، ۱۳۸۷: ۲۴) به تعبیر دیگر دین، تعالی‌بخش و رشد‌دهنده عقل بشری است و موجبات شکوفایی آن در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌آورد. عقل رهاشده از تمایلات پست حیوانی، در بخش عظیمی از مناسبات سیاسی - اجتماعی به‌درستی تصمیم‌سازی می‌کند و انسانیت را از سقوط در انحطاط و فساد نجات می‌دهد و فرد و جامعه را به‌سمت نوع دوستی و حق‌طلبی و تحقق عدالت در تمام مناسبات فردی و اجتماعی و سیاسی رهنمون می‌سازد.

از منظر سید جمال، شکوفایی و جهت‌بخشی به عقل، یکی دیگر از کارکردهای مؤثر دین است. زیرا دین زمینه شکوفایی و کمال عقل را فراهم می‌آورد و عقل، عامل نیک‌بختی و سعادت مادی و معنوی انسان را در دو دنیا تحقق می‌بخشد. سید باور دارد که دین همواره مایه سعادت و نیک‌بختی‌های انسان است. البته دینی

قلمرو و کارکردهای سیاسی - اجتماعی دین در منظومه فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی □ ۱۰۳

که مبتنی بر اساس محکم و پایه‌های متقن گذاشته شده باشد. در این صورت دین موجب ترقی مادی و معنوی پیروان خود خواهد بود و پرچم تمدن و پیشرفت و رفاه تام و تمام را در جامعه به اهتزاز درخواهد آورد. بلکه می‌توان گفت متدینین را به تمامی کمالات عقلی و اخلاقی فائز خواهد گردانید و ایشان را به نیک‌بختی دو جهان خواهد رسانید. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۹ / ۱۰۰)

دو. تکلیف و ترغیب انسان به حضور مؤثر در مسئولیت‌های اجتماعی - سیاسی

یکی از کارکردهای مهم دین در عرصه سیاسی - اجتماعی این است که دین، ابزاری است برای حضور مؤثر آحاد جامعه در مناسبات اجتماعی و سیاسی. یعنی دین، ابزاری در تحقق فهم و پذیرش مسئولیت اجتماعی - سیاسی هر فرد نسبت به یکدیگر و جامعه و پرهیز از بی‌تفاوت بودن افراد جامعه نسبت مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی و انسانی است.

مراد از هدایت جامعه، هدایت یکایک افراد و آحاد جامعه است و جامعه مرکب از ملت و دولت است (مراد از دولت در اینجا قوه مجریه نیست؛ بلکه مجموعه حاکمیت است). هدایت عمومی جامعه یا جامعه توحیدی، زمانی محقق می‌شود که دولت و ملت به نقش و مسئولیت خود در قبال یکدیگر و مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه توجه کافی داشته باشند. ملت به مسئولیت‌ها در مقابل قانون و حکومت و هر آنچه که برخاسته از هویت جمعی و ملی او باشد، پایبند و ملتزم باشد و دولت نیز به مسئولیت‌های خود در برابر مردم، التفات داشته باشد و عمل نماید. به دیگر سخن، جامعه توحیدی و اسلامی در سایه توجه متقابل دولت و ملت و التزام عملی نسبت به حقوق یکدیگر، تحقق پیدا می‌کند و این همان توجه و التزام مسلمانان، جهت تحقق عملی احکام و آموزه‌های دینی در مناسبات سیاسی و اجتماعی است که موجبات ترقی و تعالی جوامع اسلامی را در پی خواهد داشت. سید جمال در مجموعه مقالات خود با عناوینی همچون *الحکومة الرحیمة و الحکومة المتنطسة*^۱ به وظایف متقابل ملت و حاکمیت پرداخته است. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۳ / ۶۵ - ۶۰)

سه. متعادل‌سازی بینش، منش و کنش‌ها سیاسی - اجتماعی انسان

از دیگر کارکردهای مهم دین در عرصه سیاسی - اجتماعی، کارایی دین به‌عنوان ابزاری برای هماهنگ‌سازی میان انگیزه‌های فردی با ارزش‌ها یا منافع اجتماعی است. یعنی دین به انسان بینشی اجتماعی می‌دهد که انگیزه‌های فردی و شخصی را در هندسه و نظام سیاسی - اجتماعی جامعه الهی تعریف نماید و در نتیجه منش و کنش‌هایش را نیز در راستای پیشبرد اهداف کلی جامعه توحیدی

۱. حکومت خبرگان و متخصصان.

هماهنگ‌سازی و منتظم نماید. به تعبیر دیگر دین بینشی به انسان می‌دهد تا از خودبینی، خودخواهی، خودبرتربینی، مصرف‌گرایی و دیگر آفات اجتماعی و سیاسی همانند قدرت‌طلبی، جاه‌طلبی، مال‌اندوزی، عدم توجه به مستضعفان و محرومان جامعه و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر که در اجماع بشری در جهت سقوط و انحطاط آن مؤثر هستند، دوری‌گزیند و پرهیز نماید و منشی متعادل از خود نشان دهد.^۱

متعادل‌سازی یعنی اینکه اگر انسان در عرصه سیاسی و اجتماعی به مقام و قدرتی دست یافت، به مسئولیت و رسالت اجتماعی خویش نیز التفات داشته باشد و منش و کنش‌هایش عادلانه و در مسیر عدالت باشد. یا در مواردی که بحث از هویت و شرف ملی و قومی مطرح می‌گردد؛ که به‌نوبه خود مهم و لازم برای حفظ هویت ملی و قومی است، این خصیصه از مدار اعتدال خارج نگردد و منجر به عصبیت افراطی و غرور متعصبانه و در نتیجه نزاع و کشمکش میان آحاد جامعه نگردد. دین به این معنا میان انگیزه‌های فردی و ارزش‌های اجتماعی - سیاسی هماهنگ‌سازی و تعادل برقرار می‌نماید. سید جمال به این بخش از کارکرد دین در ترقی و تعالی مناسبات سیاسی - اجتماعی در مقالات *مجلة العروة الوثقی* با عنوان‌های *التَّعَصُّبُ* (همان: ۱ / ۱۳۹ - ۱۳۱) و *أسبابُ حفظ الملک* (همان: ۱ / ۲۰۵ - ۲۰۰) و *الشرف* (همان: ۱ / ۱۹۰ - ۱۸۶) اشاره داشته و تأکید نموده است.

چهار. دین عامل وحدت‌بخشی و ایجاد ارتباط میان جوامع اسلامی

یکی از کارکردهای مهم دین آن است که دین عاملی مؤثر در ایجاد وحدت میان کشورهای اسلامی و ایجاد روابط گسترده فکری - فرهنگی - اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - نظامی میان دولت‌ها و ملت‌های اسلامی است. دین اسلام همواره مؤمنین را به وحدت و همبستگی و تعاون دعوت نموده است و از تشتت و تفرقه پرهیز داده است: «هل نسیت تاریخ الأمة العربية و ما كانت عليه قبل بعثة‌الدين من الممجبة و الشتات و إتيان الدنيا و المنكرات حتي إذا جاءها الدين فوحدها و قواها و هذبها و نور عقوها و قوم أخلاقها و سدّ أحكامها، فسادت علي العالم و ساست من تولته بسياسة العدل و الإنصاف». (همان: ۱ / ۱۱۵)

سید جمال همواره به دین به‌عنوان عاملی قدرتمند در جهت ترقی و تحکیم روابط سیاسی - اجتماعی امت اسلامی توجه ویژه دارد و همیشه منادی وحدت تحت لوای دین و قرآن بوده است و تحقق این امر را برای برون‌رفت دنیای اسلام از انحطاط و نائل آمدن به پیشرفت ضروری می‌داند. ایشان در این باره بر

۱. وعلیکم أن لا تجعلوا عصبه الدين وسیلة للعدوان، و ذریعة لانتهاک الحقوق، فإن دینکم بینہم عن ذلك و یوعدکم علیہ بأشدّ العقاب. هذا و لا تجعلوا عصبیتکم قاصرة علي مجرد میل بعضکم لبعض، بل تضافروا بها علي مباراة الأمم في القوة و المنعة و الشوكة و السلطان و منافستهم في اكتساب العلوم النافعة و الفضائل و الکلمات الإنسانیة. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۱۳۹)

قلمرو و کارکردهای سیاسی - اجتماعی دین در منظومه فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی □ ۱۰۵

این عقیده است که دنیای اسلام باید حول محور قرآن و دین اسلام با یکدیگر وحدت داشته و از احوال، مسائل و مشکلات یکدیگر باخبر و معین و مددکار و پشتیبان هم باشند.^۱ این اقتضای دین‌داری و از آثار مهم سیاسی - اجتماعی آن می‌باشد. سید جمال در مقاله‌های *الوحدة الاسلامیه* (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۱۶۱ - ۱۵۷) و *الوحدة و السیاده* (همان: ۱۶۸ - ۱۶۳) و *انحطاط المسلمین و سکونهم و سبب ذلک* (همان: ۱۲۷ - ۱۲۲) به تبیین نقش و کارایی دین در ایجاد وحدت و ترابط ممالک اسلامی پرداخته است.

پنج. تبیین صحیح از معنای زندگی

از مهم‌ترین کارکردهای اساسی دین، تبیین معنای زندگی است. درحقیقت دین با تبیین جاودانگی، حکمت و هدفمندی هستی و جهت‌دهی انسان، در پرتو تدبیر خداوند حکیم، خردپذیرترین و دلپسندترین معنا از حیات انسان و جهان را تقریر و ارائه می‌کند. البته اگر مراد از کارکرد دین صرفاً لذت‌های مادی و فردی باشد، بخش قابل‌توجهی از ثمرات و فواید دین مورد غفلت قرار خواهد گرفت. زیرا اولاً؛ فهم معنوی از زندگی و ثانیاً؛ تربیت اخلاقی خود از رسالت‌های اساسی دین می‌باشند و این دو عامل همدوش برای درمان ریشه عمیق گرفتاری انسانیت به‌شمار می‌روند که به‌سبب آنها بسیاری از معضلات اجتماعی و سیاسی جامع بشری حل خواهد شد.

ادیان در تاریخ بشر به ایفای رسالت بزرگ خود در زمینه تربیت انسان بر بنیان فهم معنوی از زندگی و احساس اخلاقی از آن پرداخته‌اند. به‌نحوی که در ریشه‌یابی همه مفاهیم معنوی و احساس‌های اخلاقی و آگاهی‌ها و عواطف والا که در جهان امروز گرد آمده، به نتیجه‌ای روشن‌تر و منطقی‌تر از این نمی‌رسیم که پایه‌ها و بنیان‌های آنها براساس تلاش‌های فراوان ادیان برای تهذیب انسانیت و انگیزه‌های طبیعی انسان و بایسته‌های زندگی و عمل (فردی و اجتماعی) او استوار شده است. (صدر، ۱۳۹۳: ۶۳ - ۶۴)

در میان ادیان، دین مبین اسلام، بیش از دیگر ادیان الهی به این مسائل توجه داشته و انسان‌ها را نسبت به فهم معنوی از الزامات زندگی اجتماعی - سیاسی انسان توجه داده است. دین در درون انسان این نگرش را تقویت می‌کند که انسان، موجودی جاودانه و حقیقتی پایدار است که از بین رفتنی نیست. در واقع دین، میل فطری نهفته در ضمیر انسان برای جاودانگی و آرزوی همیشگی بودنش را جهت می‌دهد و کمک می‌کند تا در تطبیق آن بر چیزی دچار خطا نشود. همین تغییر نگاه و اصلاح بینش به حیات دنیایی و تبیین فهم معنوی از زندگی، ریشه بسیاری از اصلاحات و تغییر نگرش‌ها و درنهایت

۱. لا ألتمس بقولي هذا [الوحدة الاسلامیه] أن مالك الأمر في الجميع شخص واحد، فإن هذا ربما كان عسيراً، و لكني أرجو أن يكون سلطان جميعهم القرآن، و وجهة وحدتهم الدين، و كل ذي ملك علي ملكه يسعي بجهد لفظ الآخر ما استطاع، فإن حياته بحياته و بقاءه بقاءه. (همان: ۱ / ۱۶۲)

تبیین سبک زندگی الهی را در پی خواهد داشت. این کارکرد، نمونه‌ای از نقش‌های مهمی است که دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند.

سید جمال در مقالات متعددی به این مقوله از کارکرد دین اشاره نموده است. از جمله در مقاله‌های فلسفه تربیت، (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ق: ۹ / ۱۳۸ - ۱۳۵) تعلیم و تربیت (همان: ۱۳۴ - ۱۲۷) و اسباب حقیقی سعادت و شقاوت انسان. (همان: ۱۵۴ - ۱۴۱) از این کارکرد دین بحث می‌کند.

ه) تفاوت نگرش دینی سید جمال با دیگر معاصران وی

دین‌شناسی سید جمال با نوع نگاه و شناخت دیگر معاصران وی همچون سید احمدخان هندی، اخوان المسلمین، جریان سلفیه از دین و آموزه‌هایش تفاوت‌هایی دارد. بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید به معنی بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. (مطهری، ۱۳۸۵، ۲۴ / ۳۶) اما روشن است که سلف صالح نه عقیده و هابیت است، و نه اهل حدیث و اخباریون؛ زیرا سید فیلسوف و عقل‌گراست. منظور از سلف صالح بازگشت به عصر پیامبر ﷺ در توجه به قرآن و آموزه‌های اسلامی در اتکای به خود و پویایی و تلاش و جهاد و عزت و عدم اتکای به دشمنان است. لذا سید جمال برای احیای هویت دینی و خودباوری مسلمانان در جای‌جای مقالات و سخنرانی‌هایش از علما و بزرگان ذوالفنون در شرق غرب عالم اسلام یاد می‌کند که هر کدام علم و فضلشان منبع فیض برای کل بشریت بوده است و شهرتشان شرق و غرب کره خاکی را پر کرده است.^۱

نکته حائز اهمیت این است که دیده می‌شود سید جمال برای ایجاد روحیه وحدت، همدلی و خودباوری امت اسلامی، هنگام برشمردن فحول از علمای اسلام، هم بزرگان از شیعه و هم از علمای اهل سنت به نیکی و بلندمرتبگی یاد می‌کند^۲ و آنان را - بدون توجه به گرایش فرقه‌ای شان - مثال و الگویی برای جوانان و فرهیختگان دنیای اسلام معرفی می‌کند که نکته قابل توجهی است. او با این شیوه قصد دارد اهل دانش را متوجه این معرفت قرآنی کند که شما مؤمن به دین واحدی هستید که به فرموده آیه شریفه قرآن در حکم برادرید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) «مؤمنان با هم برادرند» و همانند دو بازو بر یک پیکر

۱. كان في نقطة الشرق من حکمائهم ابن سينا و الفارابي و الرازي و من يشاكلهم، و في الغرب ابن باجة و ابن رشد و ابن الطفيل و ماتلوهم، ... (همان، ۱ / ۱۳۱)

۲. ... نعم البخاري و مسلم و النيسابوري و الترمذي و ابن ماجه و ابوداود و البغوي و ابوجعفر البلخي و الكليني ...
خواجه نصیر الدین طوسی و الأبهري، ابوبکر الرازي الطيب الشهير، أبو علي بن سينا الفيلسوف الشهير و شهاب الدين المقتول ... عضد الملة و الدين و غیرهم من علماء الكلام و الأصول ممن تفتخرهم بلاد فارس و هم فخر المسلمين ... (همان، ۶ / ۲۳۱)

قلمرو و کارکردهای سیاسی - اجتماعی دین در منظومه فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی □ ۱۰۷

می‌مانید. در واقع سید جمال از ویژگی‌هایی برخوردار است که تأثیر بسزایی در نوع نگرش او به دین داشته است و این ویژگی‌ها و امتیازات، دین‌شناسی وی را از دیگر معاصرانش متفاوت و متمایز نموده است. او در علوم عقلی و نقلی اطلاعات وسیعی داشت؛ بسیار مطالعه می‌کرد، (رشیدرضا، ۱۴۲۷: ۱ / ۲۸؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۶ / ۶۸) اسلام را می‌شناخت، از اصول آن آگاه و با معارف دین آشنا بود. (شهیدی، ۱۳۷۵: ۲۵)

سید به سبب برخورداری از اساتید فقهی - فلسفی (صاحبی، ۱۳۵۸: ۱۵) و همچنین سیر و مسافرت در ممالک اسلامی و کشورهای اروپایی (صاحبی، ۱۳۸۶: ۹۰ - ۸۳؛ محیط طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۳۰) و در مواجهه با سلاطین و درباریان (واثقی، ۱۳۵۵: ۲۳۱) و تعامل با نخبگان و اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان و آگاهی از فرّق گوناگون و ادیان و همچنین همنشینی با توده مردم از کشاورز و دهقان، (همان) با اندوخته‌ای از تجربیات عینی و بینشی مبتنی بر واقعیات دنیای معاصر و آشنایی میدانی از دردهای جامعه اسلامی و انسانی به مقوله دین می‌نگرد و در تبیین دین‌شناسی، آشنا با مقتضیات زمان و مکان و شناخت صحیح از نهاد روحانیت شیعه و سنی و همچنین تشخیص صحیح دردهای جامعه اسلامی به ارائه راهکار و علاج دردها می‌پردازد. با تکیه بر این دین‌شناسی عمیق و ژرف است که سید جمال، اعتقاد و التزام عملی به آموزه‌های دینی را محور و عامل اصلی در برون‌رفت جامعه اسلامی و جوامع بشری از انحطاط و فساد معرفی می‌نماید.

یکی دیگر از تفاوت‌های دین‌شناسی سید جمال با دیگر جریان‌های فکر معاصر وی، نگاه جامع همراه با گرایش اجتماعی - سیاسی سید به دین، دین‌داری و دین‌مداری است. توضیح آنکه هرچند قبل از سید نیز نگاه اجتماعی در میان اندیشمندان دینی مطرح بود، بلکه اساساً دین اسلام دارای ابعاد و احکام سیاسی اجتماعی است؛ ولی سید جمال از یک جهت عامل بیداری و غفلت‌زدایی از منابع اصیل دینی گردید و عالمان و ائمه اسلامی را به بهره‌مندی از گنجینه غنی معارف اصیل و ناب اسلامی متذکر شد و از سوی دیگر در توجه دادن به حضور فعال و موثر دین در مناسبات سیاسی - اجتماعی، جهشی ایجاد کرد و ائمه اسلامی را به سمت این باور سوق داد که آموزه‌های اسلام، توانایی و صلاحیت دارند تا علاوه بر هدایت مردم از جهت اخروی و معنوی، مردم را بسوی سعادت دنیایی و حیات طیبه نیز رهنمون گردد و مناسبات اجتماعی - سیاسی جامعه را نیز سامان دهد و تعالی بخشد.

عقلانیت و اعتدال در تجددگرایی دینی، یکی دیگر از شاخصه‌های اساسی دین‌شناسی سید جمال است که سبب تفاوت دین‌شناسی وی با دیگر معاصرین او گردیده است. اعتدالی که ریشه در عقلانیت اسلامی و مبانی معرفتی - کلامی دارد. عقل‌گرایی اعتدالی شاخصه‌ای غیرقابل‌انکار در منظومه معرفتی سید جمال و دین‌شناسی وی می‌باشد.

نتیجه

دین در زندگی انسان و در مسیر حرکت جامعه، هدف برتر حیات را پیش‌روی انسان نمودار می‌سازد. سید جمال اذعان دارد که اسلام صلاحیت خود را برای هدایت مردم به سوی سعادتشان و پاکی حیاتشان، اثبات کرده است و این عقب‌ماندگی و انحطاط جامعه اسلامی به دلیل ضعف و سستی خود مسلمانان و عدم التزام ایشان به آموزه‌های ناب دینی است.

به تحقیق مهم‌ترین تأثیر سید جمال، در حوزه دین و دین‌شناسی، نشان دادن جامعیت و عقلانیت دین اسلام بوده است. بینش جامع‌نگرانه سید جمال به دین، همراه با عقلانیت دینی، او را از نگاه تک بُعدی و صرفاً فردی و اخروی به دین منزّه کرده است. همین شاخصه ایشان را به عالم و دین‌شناسی مُصلح با گرایش اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد و از دیگر معاصران وی ممتاز نموده است. بینش، منش و کنش‌های سیاسی - اجتماعی سید جمال، مبتنی بر تعالیم اصیل دین و همراه با نگرشی عقل‌گرایانه مبتنی بر اعتدال و عقلانیت اسلامی و همچنین همراه با نگاهی جهان‌شمول و جامع‌نگرانه به اسلام است.

منابع و مآخذ

۱. بازرگان، مهدی، ۱۳۷۷، *آخرت و خدا هدف بعثت انبیا*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲. تفتازانی، سعدالدین، ۱۴۰۹ ق، *شرح المقاصد*، مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر عبد الرحمن عمیره، افسر، قم، الشریف الرضی.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تفسیر موضوعی قرآن، وحی و نبوت در قرآن*، قم، اسراء.
۴. حائری یزدی، مهدی، ۱۹۹۴ م، *حکمت و حکومت*، انگلستان، نشر شادی.
۵. حسینی اسدآبادی، سید جمال‌الدین، ۱۴۲۳ ق، *الآثار الکامله*، اعداد و تقدیم سید هادی خسروشاهی، ۹ جلد، القاهرة، انتشارات مکتبه الشروق الدولیه.
۶. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۲، *بیدارگران اقالیم قبله*، قم، دلیل ما.
۷. حورانی، آلبرت، ۱۹۹۷ م، *الفکر العربی فی عصر النهضه (۱۷۱۹ - ۱۹۳۹ م)*، ترجمه کرمی غرقول، بیروت، نوفل.
۸. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۴، *کلام نوین اسلامی*، قم، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی.
۹. خسروپناه، عبدالحسین، و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، *انسان‌شناسی اسلامی*، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۰. خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۵۶، *یادنامه سید جمال*، قم، انتشارات دار العلم.
۱۱. خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۹۱، *دفاع از سید جمال‌الدین حسینی و سخنی با تاریخ‌نگاران عصر*

پهلوی، قم، کلبه شروق.

۱۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.

۱۳. ذوالفقاری، مهدی و سجاد سلامت، ۱۳۸۷، «سیری در اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی»، *مجله ره‌آورد سیاسی*، ش ۲۰.

۱۴. راثین، اسماعیل، ۱۳۵۷، *فراмышخانه و فراماسونری در ایران*، تهران، امیرکبیر.

۱۵. راثین، اسماعیل، ۱۳۴۷، *حقوق‌بگیران انگلیس در ایران*، تهران، جاویدان.

۱۶. ربّانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۳، *ضرورت و قلمرو دین*، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.

۱۷. رشیدرضا، محمد، ۱۴۲۷ ق، *تاریخ الاستاذ الامام الشیخ محمد عبده*، ۳ جلد، القاهرة، دار الفضیله.

۱۸. سبحانی‌نیا، محمد، ۱۳۸۹، *کارکرد دین در زندگی بشر*، قم، بوستان کتاب.

۱۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳، *منشور جاوید*، قم، مؤسسه امام صادق علیه.

۲۰. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۶، *مدارا و مدیریت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

۲۱. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۷، *فربه‌تر از ایدئولوژی*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

۲۲. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۸، «*بسط تجربه نبوی*»، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

۲۳. سعیدی، غلامرضا، ۱۳۷۰، *مفخر شرق: سید جمال‌الدین اسدآبادی*، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی.

۲۴. شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۸۷، *دین‌شناسی: پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، دفتر نشر معارف.

۲۵. شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۷۵، «شناخت من از سید جمال‌الدین»، *فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر*، ش ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان.

۲۶. صاحبی، محمدجواد، ۱۳۵۸، *تاکتیک‌های انقلابی سید جمال‌الدین اسدآبادی*، قم، هادی.

۲۷. صاحبی، محمدجواد، ۱۳۸۶، *سید جمال‌الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری احیاگران اندیشه دینی - نشر احیاگران.

۲۸. صدر، سید محمدباقر، ۱۳۹۳، *فلسفه ما*، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، قم، دار الصدر.

۲۹. طباطبائی، سید جواد، «پنهان‌کاری‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی»، *وبسایت مرکز دائرةالمعارف*

بزرگ اسلامی، مدخل سید جمال‌الدین اسدآبادی، فروردین ۱۳۹۹. www.cgie.org.ir

۳۰. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۸۷، *بررسی‌های اسلامی*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.

۳۱. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۴۰۷ ق، *تجربید الاعتقاد*، تحقیق حسینی جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. عبدالمجید، محمد سعید، ۱۹۶۷ م، *نابغة الشرق*، القاهرة، انتشارات دار الكتاب العربی.
۳۴. عماره، محمد، ۱۹۸۸ م، *جمال الدین الافغانی موقظ الشرق و فیلسوف الاسلام*، قاهره، دار الشروق.
۳۵. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۷۶، *مبانی جهت گیری دعوت انبیاء*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۹، *قلمرو پیام پیامبران*، تهران، کانون اندیشه جوان.
۳۷. لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۷۲، *سرمایه ایمان*، تصحیح صادق لاریجانی، تهران، الزهراء.
۳۸. مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۷۹، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران، طرح نو.
۳۹. مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۷۷، *قرائت رسمی از دین*، بحران‌ها، چاش‌ها، راه‌حل‌ها، در گفتگو با محمد مجتهد شبستری، *مجله راه نو*، سال اول، ش ۱۹.
۴۰. مجتهدی، کریم، ۱۳۶۳، *سید جمال الدین و تفکر جدید*، تهران، تاریخ ایران.
۴۱. محیط طباطبایی، محمد، ۱۳۸۰، *سید جمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین*، به کوشش و مقدمه سید هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروق.
۴۲. مدرسی چهاردهی، مرتضی، ۱۳۸۹، *سید جمال الدین و اندیشه‌های او*، تهران، امیرکبیر.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۵، *معارف قرآن، راه و راهنماشناسی*، قم، مؤسسه امام خمینی.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۶. نصری، عبدالله، *انتظار بشر از دین*، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۴۷. واتقی، صدر، ۱۳۵۵، *سید جمال الدین اسدآبادی پایه‌گذار نهضت اسلامی*، تهران، پیام.
۴۸. همیلتون، ملکلم، ۱۳۷۷، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۴۹. یوسفیان، حسن، ۱۳۸۹، *کلام جدید*، تهران و قم، سمت و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
50. Sheikh Jameil Ali, 2002, *Sayyid Jamal Al-Din Al-Afghani & the West*, New Delhi: Adam.